

دیدگاه کلاسیک و ارگانیک در مقبره‌سازی اسلامی هند

رضا کسروی

کارشناسی ارشد معماری منظر
kasravi_r@yahoo.com



چکیده

ورود اسلام به هند از پل ایران، عناصر معماری جدیدی را نیز به معماری هند افزوده است؛ از جمله باغ ایرانی. به تبع تفاوت در نحوه ورود اسلام به هند، خواه از طریق فتوحات امرای مسلمان خواه بزرگان تصوف، معماری مقابر اسلامی آن دارای دو نوع متفاوت است. مقابر طبقه حاکم مسلمان در گونه باغ - مزار ساخته شده که متأثر از سنت باغ‌سازی ایرانی، نماد گونه کلاسیک مقبره‌سازی اسلامی هند است. این مقابر به صورت عناصری شاخص (یادمانی) و جدا از بافت شهری ساخته شده‌اند. از دیگر سو مقابر مشایخ و بزرگان تصوف به صورت بلافاصل از کاربری‌های شهری مانند بازار، همساز و هم‌نوا با بافت شهری ساخته شده‌اند و گونه ارگانیک مقبره‌سازی اسلامی هند را شکل می‌دهند. آنچه در این نوع از مقابر بیشتر به چشم می‌آید، نه جنبه‌های فرمال معماری، بلکه آیین‌ها و رسوم زایران مشتاق است. شاخص‌ترین وجه معماری این نوع از مقابر، باؤلی‌ها هستند که عموماً در مجاورت مقابر قرار دارند.

واژگان کلیدی

هند، ایران، باغ - مزار، مقبره، کلاسیک، ارگانیک، اسلام، تصوف.

هند و بررسی ویژگی‌های معماری این مقابر است. این طبقه‌بندی بر پایه باز دیده‌های میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای تدوین شده است. مصادیق بررسی شده عبارت است از: مقابر و مجموعه‌های اجمیر شریف «معین‌الدین چشتی» در اجمیر، «نظام‌الدین اولیا»، مقبره «همایون» در دهلی، مقبره «بی‌بی‌کا» در اورنگ آباد و «تاج محل» در آگرا.

مقبره، گونه‌ای از معماری است که پیش از ورود اسلام به هند، به دلیل تفاوت در نگرش نسبت به مسئله مرگ، در معماری این کشور جایگاه چندانی نداشت. اسلام به همراه جهان‌بینی جدید، این گونه معماری را به هند وارد نمود. در گذر زمان مقابر به بخشی از میراث تاریخی هند تبدیل شدند. آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، طبقه‌بندی مقابر اسلامی

دانست. در این میان «باغ» یکی از عناصر وارداتی معماری از ایران به هند است. میزان علاقه پادشاهان مسلمان هند به باغ تا آن حد بوده که حتی بهشت را در عالم پس از مرگ در وجود باغ جستجو می‌کنند و مزار خویش را در میان باغ می‌سازند. بدین‌سان باغ - مزار به یکی از مهمترین میراث کالبدی اسلام در هند تبدیل می‌شود. یکی از قدیمی‌ترین اسناد باغ - مزار دوران اسلامی، مربوط به دفن سلطان «محمود غزنوی» فاتح هند بوده که در غزنین واقع در باغی به نام پیروزی است و تاریخ بیهقی نیز بدان اشاره دارد.

مزار سلطان «سنجر سلجوقی» در مرو نیز براساس برخی از منابع در میان باغی با طرح چهارباغ قرار داشت. احتمال این می‌رود که پیشینه ساختن باغ - مزار در ایران به دوران باستان برسد (مقتدر، ۱۳۸۰: ۲۰). چنانکه در شاهنامه فردوسی درباره محل دفن رستم می‌خوانیم:

به باغ اندرون دخمه‌ای ساختند

سرش را به ابر اندر افراختند

حکومت‌های اسلامی هند در قرون ششم و هفتم میلادی تشکیل شدند. ویژگی مهم پادشاهان مسلمان، غیر بومی بودن آنهاست. «بابر» نواده تیمور، خاطره خوش باغ‌های سمرقند و کابل، که در یادداشت‌هایش زبان به تحسین آنها گشوده، با خود به هند می‌برد و تلاش دارد در سرزمین جدید نیز آنها را ایجاد کند؛ سرزمینی که از نظر او بی‌نظم و بدآب و هواست. واژه کلاسیک در ادبیات معماری به معنای وضوح و عدم ابهام است. نظم، تناسب و تقارن نشانه‌های نظم کلاسیک در معماری هستند.

کلاسیک به دنبال سلطه بر طبیعت بوده و نماد نظم آن هندسه است. نظم کلاسیک یک نظم دستوریست و دفعتاً ساخته و پرداخته می‌شود. هندسه به دلیل نفی هرگونه هرج

فرضیه: به نظر می‌رسد معماری مقابر حاکمان مسلمان هند متأثر از شیوه باغ‌سازی ایرانی در گونه کلاسیک و معماری مقابر بزرگان تصوف در هند متأثر از زمینه معماری هند در گونه ارگانیک قابل طبقه‌بندی است.

حضور و تأثیر اسلام در هند

برخورد اسلام با فرهنگ کشورهای تازه تسخیر شده در طیفی از جنگ تا تعامل متغیر است. در مورد ورود اسلام به شبه قاره هند روایت‌های متفاوتی وجود دارد. برخی عقیده دارند اسلام از طریق حملات نظامی و با زور شمشیر به شبه قاره هند راه پیدا کرده است؛ اما بسیاری از مورخان منصف بر این عقیده‌اند پیش از حملات نظامی مسلمانان به شبه قاره هند، اسلام به این منطقه راه یافته بود که شواهد تاریخی نیز مدعای مورخین اخیر را به اثبات می‌رساند. ورود اسلام به سرزمین هند از دو روش ۱- نظامی (توسط امرا و پادشاهان) ۲- غیر نظامی (حضور بزرگان و اولیای دینی) صورت گرفت (جمشیدی بروجردی، ۱۳۷۲: ۲۲-۲۱). در این میان علاوه بر دین جدید که نگرشی تازه از زندگی و مرگ را پیش روی انسان هندی قرار می‌داد، نشانه‌هایی از فرهنگ واسط اسلام و هند یعنی ایران نیز در هند به منصف ظهور رسید. با عنایت به تفاوت دیدگاه اسلام با سایر ادیان بومی این کشور در موضوع نحوه برخورد با مسئله مرگ و وجود سابقه معماری مقبره در اسلام پیش از ورود آن به هند، سنت مقبره‌سازی در هند را باید سنتی وارداتی دانست.

گونه کلاسیک مقبره‌سازی (مقابر پادشاهان و طبقه حاکم مسلمان هند)

ایران، پل ورود اسلام به هند است. لذا هند را نمی‌توان بدون تأثیرپذیری از میراث دینی و فرهنگی خصوصاً معماری ایران

به دو دروازهٔ عظیم می‌رسند.

راه شمالی به منبع آب و راه شرقی به یک ساختمان کوچک مصفا منتهی می‌شود که به طرف رودخانه «جمنا» نگاه می‌کند. خارج از محوطه و نزدیک رودخانه جمنا گنبدی با کاشی‌های آبی باقیمانده است. بدنهٔ شمالی آن حاوی بهترین نوع کاشی است که در هند وجود دارد و با دست هنرمندان ایرانی ساخته شده است. «زنه گروسه» هندشناس و هنرشناس فرانسوی درباره تأثیر ایران بر هند می‌گوید: «نقشی که ایران در قرن ۱۶ در تکوین فرهنگ و هنر هند اسلامی برعهده داشت مشابه بود با نقش ایتالیا در عصر رنسانس برای تکوین فرانسه، عهد رنسانس و قرون جدید با آن همه درخشندگی و عظمت» (غروی، ۱۳۴۸: ۱۸ - ۱۴). باغ- مزارها، جلوه‌ای از عظمت معماری آرامگاهی هند در دوره گورکانی هستند.

هرچند دارای سبک‌های متفاوت هستند، اما همگی در قالب چهارباغ محصور می‌گنجند. مزارها یا در مرکز باغ ساخته می‌شدند، مانند مزار همایون (همایون شاه) در دهلی (تصویر ۱) و مقبره «بی‌بی‌کا» (تصویر ۲) در اورنگ‌آباد و مزار «اکبرشاه» درسیکاندرا یا در امتداد یکی از اضلاع باغ، مانند تاج‌محل در آگرا (تصویر ۳)؛ (مقتدر، ۱۳۸۰: ۲۵). در باغ- مزارهای هند عناصر شکل‌دهنده باغ در خدمت هرچه بیشتر نشان‌دادن اُبهت بنای مقبره قرار می‌گیرد. وجوه مشترک مقابر پادشاهان مسلمان هند را می‌توان بدین ترتیب طبقه‌بندی کرد:

۱. دوری از بافت شهری بی‌نظم (ارگانیک)
۲. مرزبندی شدید مجموعه مقبره با بافت مجاور
۳. شاخص بودن بنای مقبره
۴. تبعیت بنا از ویژگی‌های هندسی معماری ایرانی خصوصاً باغ (وارداتی بودن)
۵. مجلل‌بودن بنا برای بیان عظمت پادشاهان مسلمان هند، سنت باغ‌سازی ایرانی را در قالب باغ- مزار که وجود هندسهٔ روشن و خوانا از ویژگی‌های ذاتی آن است به عنوان ابزاری برای ایجاد نظم در بستر بی‌نظم (ارگانیک) هند استفاده می‌کنند.

گونهٔ ارگانیک مقبره‌سازی (مقابر بزرگان تصوف)

پس از ورود اسلام به ایران، این کشور پل ارتباطی بین شبه قاره هند و دیگر مناطق و مراکز اسلامی شد. همراه سپاهیان

و مرج، فضایی به رشد رسیده را به وجود می‌آورد؛ به این ترتیب باغ ایرانی به دلیل بهره‌بردن از هندسهٔ روشن و خوانا، همچنین استفادهٔ فراوان از ریتم، تقارن، خطوط راست و اشکال کامل هندسی در فضا سازی، دارای نظم کلّسیک است. در اولین نمونه‌های باغ‌سازی هند، نظم از شاخص‌ترین ویژگی‌ها «و عامل مهم شکل‌دهنده باغ بوده است.» بابر شاه آغازگر ساخت باغ هندی، نظم باغ را مدنظر دارد و می‌کوشد با ساخت باغ به طبیعت بی‌شکل هندوستان نظم دهد و به تجلی صفات آن کمک کند (لطیفیان و نجار نجفی، ۱۳۸۸: ۷۳-۶۵). بابر در جایی از دفتر روزانه‌اش از جستجویی در آگرا جهت یافتن جایی مناسب برای احداث باغ سخن می‌گوید: «بدین‌سان، در این هند ناخوشایند و بی‌نظم، باغ‌های منظم و قرینه‌ای هم پدیدار شدند» (مقتدر، ۱۳۸۰: ۳).

بابر در آگرا، شهر موجود (پدیده‌ای ارگانیک) را نادیده می‌گیرد و بی‌اعتنا به هوای سوزان هند باغ خصوصی‌اش را بنا می‌کند. بدین ترتیب باغ ایرانی که بر اندیشهٔ نظم‌دادن به طبیعت محدود استوار است، با یک الگوی نسبتاً ثابت در یک حوزه تمدنی گسترده و جلوه‌های گوناگون آفریده می‌شود. جانشینان بابر به سنت بنانهادن آرامگاه‌های شخصی خویش یا زنان دل‌بندشان در باغ‌های شاهی کنار رودخانه‌ها وفادار می‌مانند؛ مانند تاج‌محل (جواهریان، ۱۳۸۳: ۴۹).

نظم هندسی، تقارن و نحوهٔ قرارگیری بنا در میان باغ (کوشک)، تماماً ویژگی‌هایی هستند که از معماری ایرانی الهام گرفته شده است. نقش درخت برای ایجاد سایه و حفظ رطوبت در محیط هند ضرورت اساسی نداشته است به همین دلیل از کاربرد درختان بلند و سایه‌دار پرهیز شده و جای درختان را درختچه‌های تزئینی، گلها، ریاحین و احتمالاً گیاهان دارویی گرفته است (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۰). در ساختمان‌های باغ‌های گورکانی از جمله مقابر، به تدریج بناها و محوطه‌سازی‌ها جایگاه مهمتری را نسبت به گیاهان اشغال می‌کنند. هدف از ایجاد این بناهای مجلل، بیشتر نمایش قدرت است تا ایجاد مکانی بهشتی برای لذت‌بردن از مواهب طبیعت.

آرامگاه در وسط باغ بزرگی ساخته شده است که شکل مربع دارد. ابتدا این محوطه را به نه مربع مساوی تقسیم کرده‌اند و مربع وسط را برای احداث بنا در نظر گرفته‌اند. هشت مربع باقیمانده که چهارباغ نام دارد، هر یک به چهار قسمت بخش شده‌اند و چهار خیابان پهن از جلوی پله‌ها به چهار سمت باغ که دارای دیواری عظیم است امتداد یافته، در جنوب و غرب



تصویر ۱. مقبره همایون، دهلی، هند. عکس: رضا کسروی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

دکتر «لاجوتی رام کشن» در کتاب «شعرای صوفی پنجابی زبان» می‌نویسد: «بعد از تسخیر شمال هند بدست مسلمانان رفت و آمد صوفیان به آن ناحیه شروع شد و فقط اینان بودند که می‌توان گفت در اسلام آن جنبهٔ دوستی و صلح‌جویی و محبت و بردباری را داشتند. دینی که بوسیله جنگجویان انتشار یافت، نتوانست هندوان را تحت تأثیر و نفوذ خود بیاورد، اما اسلامی که به وسیله صوفیان به آنها نشان داده شد، مورد پسند ایشان افتاد. لذا می‌توان گفت کاری که از دست سلاطین نیامد از دست صوفیان برآمد» (همان).

مسلمانان، نظام جدید آموزشی که مبتنی بر قرآن و شریعت بود، بنیاد نهادند. مراکز آموزشی در کنار مساجد و شامل اتاق‌هایی بود که در آنها به آموزش قرآن و حدیث می‌پرداختند. علی‌رغم زندگی ساده و زاهدانه مسلمانان، اسلام در میان شهرها بیشتر نفوذ یافت. زیرا اسلام دینی است که به تجمع و گردهمایی مسلمانان تأکید می‌کند و این امر به توسعه تجمعات

مسلمان، تعدادی از علما و بزرگان تابعین و راویان احادیث حضور داشتند. برخی از کسانی که به عنوان غازی به هند فرستاده می‌شدند، از علما و دانشمندان عصر خود بودند (مبارکپوری، ۱۹۶۸: ۲۸۳ - ۲۸۲).

اسلام در شبه قاره به‌وسیله شمشیر گسترش نیافت، بلکه به‌وسیله مردان مسلمانی گسترش یافت که از ایران به شبه قاره آمدند و از طریق زندگانی روحانی خود مردم را به‌دین اسلام جلب کردند و براساس اصول «لااکراه فی الدین» عمل کرده و در تبلیغ اسلام هیچ‌گاه از راه زور و جبر وارد نشدند. از دلایل موفقیت ایشان اعتقاد به برابری بود و برای عملی‌ساختن عقیده خود حتی نومسلمانان را که از طبقات پایین هند بودند در همهٔ شئون اجتماعی خود شریک کردند و بدین طریق برای کسانی که از طبقات بالا مثلاً برهمن‌ها مورد تنفر قرار می‌گرفتند راهی پیدا شد که جایگاه آنان در اجتماع آن زمان بالا برود (لاجوتی، ۱۹۶۰: ۴۵).



تصویر ۲. مقبره بی بی کا، اورنگ آباد، هند. عکس: احسان دیزانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

واژه ارگانیک از جمله به معنای «وابسته به اندام» و «تن‌مایه» است و اثر ارگانیک به اثری گفته می‌شود که مانند گیاه و موجودی زنده کاملاً به صورتی پویا در جهات مختلف رشد کرده باشد و هیچ عاملی به جز نیروهای حیاتی مانع رشد آن نشده باشد.

فرم ارگانیک همان‌گونه که از درون رشد می‌کند، شکل می‌گیرد (قبادیان، ۱۳۸۸: ۶۵). این بافت‌ها را در هسته‌های مرکزی شهرهای سنتی به عنوان بافت‌های ارگانیک می‌بینیم که کم‌کم و در طول زمان شکل گرفته‌اند.

به نظر می‌رسد بافت ارگانیک شهری چنانکه از تعریف آن پیداست در گذر زمان پیرامون مقابر رشد کرده است. در مجموعه معین‌الدین چشتی، چینش فضاهای جنبی و مقابر دیگر بزرگان سلسله چشتیه از نظم هندسی تبعیت نمی‌کند. محل استراحت زوار، کفشداری، محل جمع‌آوری نذورات، محل تجمع جهت مراسم خاص، در امتداد یک مسیر خطی جانمایی شده‌اند. نوع مصالح کف و دیوار، هماهنگ با آنچه در

و شهرنشینی می‌انجامد (یاری و نعمتی، ۱۹۶۸: ۱۴۲-۱۲۹). «نظام‌الدین اولیا» و «معین‌الدین چشتی» و خاندان او از جمله صوفیانی هستند که در گسترش و بسط معارف و عرفان اسلامی در شبه قاره نقش مهمی دارند.

آرامگاه معین‌الدین در مقبره «شکرگنج» هندوستان در نزدیکی آرامگاه همایون در دهلی در محلی شلوغ و پرتراکم میزبان جمع کثیری از مردم و زیارتگاه مسلمانان و اهل تصوف است و هر سال یک روز برای وی مجلس یادبود تشکیل می‌شود و هزاران مسلمان در آنجا اجتماع می‌کنند.

مقبره نظام‌الدین اولیا (تصویر ۴) و «معین‌الدین اجمیری» در میان بافت متراکم شهری قرار دارد. با اینکه به نظر می‌رسد بقعه مقبره نظام‌الدین اولیا به لحاظ ویژگی‌های فرمال بی‌شباهت به مقابر طبقه حکام نیست، اما محاصره شدن آن توسط بافت شهری به‌ویژه بازار، اجازه خودنمایی به مقبره نمی‌دهد. مسیر دسترسی مقبره در واقع بازار سنتی بوده که یادآور بازارهای پررونق اطراف مقابر بزرگان دینی در ایران و عراق است.



تصویر ۳. تاج محل، اورنگ‌آباد، هند. عکس: گوران عرفانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

جز در سمتی که پلکان اصلی در آن قرار دارد، دیوارها قائم است و از سنگ و گاهی آجر ساخته شده و تمامی بنا معمولاً مستطیل شکل است.

وضع و جهت ساختمان باؤلی‌ها ظاهراً در همه‌جا یکسان و هماهنگ نیست. مثلاً باؤلی درگاه نظام‌الدین اولیا، در دهلی، نزدیک مقبره همایون، از شمال به جنوب کشیده شده و با مرقد هم جهت است، در حالی که باؤلی درگاه «خواجه قطب‌الدین بختیار کاکلی» در مهرولی نزدیک لال کوت، دهلی کهنه، از مشرق به مغرب امتداد می‌یابد و با هیچ‌یک از ساختمان‌های عمده همسو نیست.

این گونه باؤلی‌ها کاربرد عملی دارد و ممکن است برای آب برداشتن و غسل کردن و وضوگرفتن استفاده شود. معماری باؤلی‌ها معمولاً ساده و بدون تزیینات است. (تصویر ۵).

نزدیک مقبره‌های عمده «پیران چشتی» هم باؤلی‌هایی ساخته شده است. مثلاً، علاوه بر نمونه‌هایی که قبلاً ذکر شد، باؤلی درگاه شیخ معین‌الدین چشتی در اجمیر با مهارت تمام

بافت شهری مجاور وجود دارد انتخاب شده است. همسازی معماری مجموعه با بافت شهری تا حدی است که بدون تذکر خدام مجموعه برای کندن کفش در حریم مقبره مرزی بین بافت و مقبره قابل شناسایی نیست. گویی مقبره همزاد بافت شهری ارگانیک اجمیر در طول زمان شکل گرفته است. خاص‌ترین جنبه معماری مقابر، «باؤلی» است. باؤلی، کلمه اردو و هندی به معنی «چاه پله‌دار» بوده که دو نوع شمالی و غربی آن در هند وجود دارد.

نوع شمالی ساده‌تر و شامل پلکان سنگی عریضی است از سطح زمین تا زیر سطح آب و به عرض تمامی بنا، البته پله‌های فرعی دیگری نیز ممکن است در طرف مقابل یا به طور قائم تا زیر سطح آب احداث شود و بدین‌سان منبع آب را در عمق به مربع‌هایی تقسیم کنند که هرچه پایین‌تر بروند کوچک‌تر شوند. در کنار اینها ممکن است پلکان‌های فرعی دیگری نیز به صورت متقاطع افزوده شود که مقطع نهایی آب‌انبار را به صورت هشت‌ضلعی درآورد.



تصویر ۴. مقبره معین‌الدین چشتی در میان بافت متراکم شهری، اجمیر. عکس: گوران عرفانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.

تصویر ۵. باؤلی اگرسن در دهلی، هند. عکس: گوران عرفانی، آرشیو پژوهشکده نظر، ۱۳۹۱.



در صخره کنده شده است. باؤلی‌های کوچک دیگر از همین نوع معمولاً در بقیه اماکن اسلامی شمال هند یافت می‌شود. نوع غربی، که معمولاً به آن «واو» گفته می‌شود، علاوه بر کاربرد عملی، از لحاظ معماری و هنری نیز ارزش والایی دارد و ساختمان آن از نمونه‌های شمالی پیچیده‌تر است و از دو قسمت تشکیل می‌شود:

یک چاه مدور یا هشت ضلعی که مثل چاه‌های معمولی می‌توان از آن آب برداشت و یک رشته دالان که با پلکان به هم متصل می‌شود. باؤلی درگاه نظام‌الدین اولیاریا خود شیخ ساخته است (خان، ۱۹۰۰). وجوه مشترک معماری گونه ارگانیک را می‌توان بدین ترتیب طبقه‌بندی کرد:

۱. حضور در میان بافت شهری
۲. مخدوش بودن مرز شهر و مقبره
۳. عدم تظاهر فرمال مقبره
۴. تبعیت معماری بنا از ویژگی‌های معماری بافت ارگانیک
۵. حضور آب به صورت باؤلی

نتیجه‌گیری

شده با بافت شهری متراکم و بلافصل از کاربری‌های شهری مانند بازار قرار دارند. آنچه در گونه ارگانیک خودنمایی می‌کند هم‌نوايي این گونه با زمینه فرهنگی هند است. این مقابر، همساز و هم‌نوا با بافت شهری ساخته شده و در آنها از خودنمایی فرمال، اثر چندانی نیست. تنها وجه کالبدی قابل توجه این مقابر، باؤلی‌ها هستند که عمدتاً در کنار مقابر و برای تامین آب مردم ساخته شده‌اند.

سنت مقبره‌سازی اسلامی، سنتی وارداتی به هند است که در گونه کلاسیک بسیار متأثر از معماری ایرانی، خصوصاً باغ‌سازی است. وجوه معماری ایرانی به خصوص هندسه در باغ - مزارهای هند ظهوری بارز و آشکار دارد. ساخت مقابر به صورت عنصری شاخص (یادمانی) و جدا از بافت شهری، شاخص نمودن بیان هندسی متأثر از باغ‌سازی از ویژگی‌های اصلی مقابر گونه کلاسیک به شمار می‌رود. از دیگر سو مقابر مشایخ و بزرگان تصوف (گونه ارگانیک) به صورت ترکیب

فهرست منابع

- انصاری، مجتبی. (۱۳۹۰). باغ ایرانی، زبان مشترک منظر در ایران و هند، مجله منظر، ۳ (۱۳): ۱۱ - ۶.
- جمشیدی بروجردی، محمدتقی. (۱۳۷۲). *علل ریشه‌ای درگیری‌های مسلمانان و هندوها*. تهران: وزارت امور خارجه چاپ و انتشارات.
- جواهریان، فریار. (۱۳۸۳). *باغ ایرانی*، حکمت کهن منظر جدید. تهران: موزه هنرهای معاصر.
- خان، سیداحمد. (۱۹۰۰). *آثارالصنادید*. ترجمه: مرکز تحقیقات فارسی خانه فرهنگ ایران (۱۳۹۰). دهلی: مرکز تحقیقات فارسی خانه فرهنگ ایران.
- غروی، مهدی. (۱۳۴۸). آرامگاه همایون پادشاه در دهلی، مجله هنر و مردم، ۸ (۸۸): ۱۸-۱۴.
- قبادیان، وحید. (۱۳۸۸). *مبانی و مفاهیم در معماری معاصر غرب*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- لاجونتی، راما کرشنا. (۱۹۶۰). *شعراي صوفي پنجابی زبان*. لاهور: چاپ محمد فقیر.
- لطیفیان، طناز و نجار نجفی، الناز. (۱۳۸۸). *بابرنامه و باغ*. مجله گلستان هنر، (۱۶): ۶۵-۷۳.
- مبارکپوری، اطهر بن محمدحسن. (۱۹۶۸). *العقد الثمین فی فتوح الہند و من ورد فیہا من الصحابہ و التابعین*. قم: کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- مقتدر، رضا. (۱۳۸۰). *باغ ایرانی، پژواک بهشت*، مجله طاووس، (۷): ۲۵ - ۱.
- یاری، سیاوش و نعمتی، نورالدین. (۱۳۸۸). *گسترش نفوذ دین اسلام در شبه قاره هند از قرن اول تا پنجم هـ.ق.*، مجله پژوهش‌های تاریخی، (۱): ۱۴۲-۱۲۹.